

یزد و بافق؛ دست‌بافته‌ها و حصیربافت‌ها

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۸)

محمدسعید جانب‌اللهی^۱

چکیده

یزد یکی از شهرهایی است که از دیرزمان به داشتن صنایع دستی شهره بوده و بعضاً در ظرافت و زیبایی منحصر به فرد بوده است. از جمله این صنایع بی‌نظیر دارایی و احرامی‌بافی است. دارایی تنها دست‌بافته‌ای است که رنگ‌آمیزی آن با خود بافته شده است زیرا رنگرز نمی‌تواند آن را رنگ کند. نقش با خود چله با رنگ شکل می‌گیرد و چون چله رنگ شده است برای بافت از گُرت استفاده نمی‌شود. نقش را با چله و با دو، چهار و ۶ لنگه یا پدال می‌بافند. احرامی، دست‌بافته‌ای در اندازه ۱/۲۵ تا ۱/۵ متر است و تار و پود آن از پنبه است و به عنوان سجاده از آن استفاده می‌شود. در این دست‌بافته تنوع رنگی وجود ندارد و معمولاً به دو رنگ سیاه و سفید می‌بافند. در سیس‌بافی و حصیربافی نیز از بافت برگ و سیس نخل استفاده می‌شود. این صنایع نیز به‌ویژه در بخش حصیربافی از تنوع زیاد برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: دارایی، احرامی، سجاده، سیس، پادری، مغ.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. کارشناسی ارشد مردم‌شناسی. رایانامه: janebollahy@gmail.com

دارایی^۱

به آن ایکات هم می‌گویند. ایکات به معنی بستن یا گره زدن یا پیچاندن است و منظور از آن شیوه بستن تار و پود از روی الگویی است که از پیش آماده شده است. در ایران این شیوه بافت از گذشته‌های دور در مناطق مختلفی چون کاشان، خوزستان، آذربایجان، تبریز، گیلان و رشت وجود داشته‌است. (رمضانخانی، ۱۳۸۷: ۲۴۵ - ۲۴۴)

مراحل کار

۱. **چله‌کشی:** چله‌کشی نخستین مرحله است. هر چله حداکثر برای ۶۰ دارایی است که هر یک دو متر و جمعاً ۱۲۰ متر می‌شود. بیشتر از آن نمی‌توان کار کرد و نمی‌توان بیشتر از این بست. در قدیم که برای بستن چله به فضای باز و بیابان‌های بیرون شهر می‌رفتند، چون فضای بیشتری داشتند، ممکن بود طول چله را هم بیشتر بگیرند.

۲. **پیچون بستن:** منظور از پیچون، اندازه‌گیری و جداسازی تارها برای ایجاد نقش است. طول دارایی دو متر است، ولی چون هنگام بافت ۵ تا ۶ سانتیمتر بافت می‌رود کوتاه می‌شود، هنگام اندازه‌گیری چله طول را دو متر و ۱۰ سانت در نظر می‌گیرند که بعد از بافت دو متر و ۵ سانت باقی می‌ماند. چله دارایی در جمع ۴۱ ارده^۲ است؛ یکی ۱۱ تایی و بقیه ۱۰ تایی. هر ارده هم ۴۰ نخ^۳ و هر ۱۰ نخ یک مر^۴ است؛ یعنی ارده ۴ مر است.

برای بستن، اول هر چهل تار را جدا می‌کنند و به هم می‌بندند؛ یعنی ردیف چهل ارده را می‌چینند و اندازه‌گیری می‌کنند. هر ارده را که سوا کردند، به دو لوله می‌اندازند که به هم نریزد. بعد از سوا کردن ارده‌ها، اندازه نقش سبر (سرو) که باید در وسط باشد به دست می‌آید. به سفیدهای دور چله دست نمی‌زنند. ارده اول و دوم پیچون را در سه

۱. در مورد وجه تسمیه دارایی گفته شده چون این پارچه در قدیم در جهیزیه هر عروس جزو وسایل سرمایه‌ای بوده و دارایی محسوب می‌شد، به آن این نام را داده‌اند (رمضانخانی، ۱۳۸۷: ۲۴۷)

2. arda

۳. رمضانخانی هرارده را شامل یک دسته ۲۰ تایی دانسته است (۲۴۹)

4. mar

بزد و بافق؛ دست‌بافته‌ها و حصیربافته‌ها ❖ ۱۳۵

نقطه می‌بندند تا نقش سرو شکل بگیرد. بعد یکی یکی ارده‌ها را می‌بندند، تا چله تمام شود. اندازه‌ها ثابت است؛ یعنی فاصله‌های بسته شده ۶، ۷ و ۸ سانتیمتر است که به ترتیب می‌بندند تا به ارده چهل و یکم که وسط است، می‌رسند. گاه به جای سرو از نقش لوز استفاده می‌کنند. برای لوز هم مثل سرو فاصله ۶، ۷ و ۸ سانتیمتر در نظر می‌گیرند. پیشتر که واحد سانتیمتر نبود، گره حساب می‌کردند؛ یک متر ۱۶ گره بود. تعداد ارده‌ها حتماً باید تاق باشد، چون اگر جفت باشد دو تا از آنها کنار هم می‌افتد و درشت می‌شود. از ۴۱ ارده بیست ارده را اول می‌بندند، به بیست و یکمی که می‌رسد دوباره برمی‌گردند و از اول شروع به بستن ارده می‌کنند تا دو رشته سر به سر هم بگذارند و اندازه سرو سرو که نقش وسط است، مشخص می‌شود. از حاشیه تا وسط چله محل سرو ۸۰ چله است (متن ۷۶ چله و حاشیه ۴ چله). در حاشیه‌های دو طرف هر یک دو چله سفید داریم. دو چله وسط هم به سرو اختصاص دارد و بقیه‌اش بین دو طرف سرو به‌طور مساوی تقسیم می‌شود.

رنگ‌رزی: دارایی تنها دست‌بافته‌ای است که رنگ‌آمیزی آن با خود بافته است؛ زیرا رنگ‌رزی نمی‌تواند آن را رنگ کند. در مجموع ۱۷ جای چله ۱۷ رنگ می‌شود و چون پردردسر است هیچ رنگ‌رزی قبول نمی‌کند. بعد از پایان مرحله جداسازی، روی نخ‌های سفید که می‌خواهند رنگ نشود، لاستیک می‌بندند و دو طرف قسمتی که می‌خواهند به رنگ سبز کنند، می‌بندند و وسط را باز می‌گذارند. سبز را رنگ می‌کنند و روی آن لاستیک می‌بندند تا هنگام رنگ کردن سایر قسمت‌ها رنگ سبز با رنگ‌های دیگر مخلوط نشود. بعد برای رنگ زرد و گلی هم به همین ترتیب عمل می‌کنند. اما در مورد رنگ زرد برای زیباتر شدن روی آن رنگ سبز می‌زنند که به آن سبز خمی (سبز سیر) می‌گویند. زیر سبز و گلی اگر زرد باشد، اشکال ندارد؛ زرد هم به گلی و هم به سبز می‌خورد. در مجموع چله به ۷ تا ۹ رنگ مختلف رنگ می‌شود؛ سبز و زرد و زرشکی و گلی (قرمز) و ۸ جای آن نیز به رنگ سفید است. در کل، اگر زمینه بافته قرمز باشد، حاشیه را سبز می‌کنند؛ آبی باشد، قرمز یا صورتی می‌کنند و اگر زمینه سبز باشد، حاشیه قرمز است.

۱۳۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

سفید همیشه ثابت است و نقش ندارد و سرو که در وسط است، قرمز، آبی یا سبز است. رنگ حاشیه با نقش زمینه باید همخوانی داشته باشد. برای چنین موردی اندازه و چارچوب مشخصی دارند. حاشیه در نقش لوز است و سرو فرقی نمی‌کند، فقط رنگش تغییر می‌کند؛ رنگ‌هایی که به هم می‌خورند.

ترکیب رنگ‌ها: رنگ دارایی رنگ نفتال و ثابت است. نفتال ماده ثابت‌کننده رنگ است. قدیم از رنگ طبیعی استفاده می‌کردند که رنگ آن همیشه ثابت می‌ماند. «رنگ‌های طبیعی مورد استفاده، نیل برای رنگ آبی، روناس و قرمز دانه برای رنگ قرمز، پوست درخت و گل [گلرنگ] برای رنگ زرد و مواد معدنی و خاکی گوناگون برای رنگ سیاه بود» (همان: ۲۴۶). زرد و سبز آبی را اگر کمی قرمز بدهند، سبز کمرنگ می‌شود. گلی نفتال خودش یک زیر دارد که به آن جوهر زیر نفتال می‌گویند و زرد کمرنگ است که در آب نمک تبدیل به قرمز بهی می‌شود. زرشکی نفتال هم هست. سبز را اگر با کمی زردچوبه ترکیب کنند، سبز گردویی می‌شود.

چله بندی یا گرت بستن: با تمام شدن چله، گرت می‌بندند که به آن «رو هم برداشتن» می‌گویند؛ یعنی باز کردن چله. چون هنگام جدا کردن، ارده‌ها را روی هم می‌گذارند و بعد باید از روی هم بردارند، به آن چله‌کش و چله‌پیچ می‌گویند و به هر چله پیچ، هفت عدد بسته می‌شود. برای این کار چون به فضای زیادی نیاز داشتند، در قدیم به صحرا و در فضای باز می‌رفتند. قبلاً برای چله میله را به دیوار می‌کوبیدند و چله را روی هم برمی‌داشتند (مثل زیلوبافی)، ولی پس از ساختن چرخ مخصوص که با آن چله را می‌پیچند و باز می‌کنند، در فضای خانه هم دو نفری می‌توانند این کار را انجام دهند. با چله پیچ، چله‌کش را روی هم می‌گذارند و یکی یکی جدا می‌بندند، چون می‌توان چهل ارده را با هم گذاشت و ۱۷ ارده را به یک چله پیچ کرد. بستگی به نوع چله پیچ دارد. با بستن پیچون^۱ دیگر نیاز به گرت نقش نیست. چون چله رنگ شده است، برای بافت از گرت^۲ استفاده نمی‌شود. نقش را با خود چله و با دو، چهار و شش لنگه یا

1. pičun

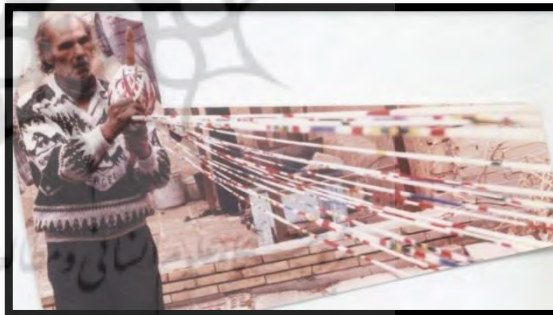
۲. دستگاه دارایی‌بافی چهار گرت دارد که با نظمی ثابت دو به دو گرفته می‌شوند و بافته برای هر بودگذاری به‌طور متناوب دو گرت را با هم جابه‌جا می‌کنند. (رمضانخانی، ۱۳۸۷: ۲۶۴)

یزد و بافق؛ دست‌بافته‌ها و حصیربافته‌ها ❖ ۱۳۷

پدال می‌بافند. پشت و رو یکی است. هرچه تعداد پدال کمتر باشد، پارچه نازک‌تر و ظریف‌تر است؛ شش لنگه (پدال) بافت درشت است. نقش سرو و لوز ساده است و اگر بخواهند به آن نقش بدهند، تعداد پدال‌ها افزوده می‌شود. در دارایی حداکثر از ۸ پوشال استفاده می‌کنند.

نقش و نگار دارایی: نقوش دارایی عبارت‌اند از: کج‌راه، جیم مشکی، خط‌ابریشمی، زیرشلواری، پیراهنی، تک‌خال، چادرشب و بقچه (همان: ۲۴۷). نقش‌های عرفی هم سرو و لوز هستند. طاوس هم یکی دیگر از نقش‌هاست که از ابتکارات پدراقای ملک ثابت به شمار می‌رود و شامل خوشه‌های انگور است که طاوس روی آن نشسته، ولی این نقش را امروزه کسی نمی‌تواند ببافد.

«برای بافت یک رومیزی دارایی به اندازه 125×110 سانتیمتر حدود ۱۸۰ گرم ابریشم مصنوعی مصرف می‌شود و یک نفر بافنده به طور معمول روزانه یک عدد از آن را تولید می‌کند و اطرافش را با ریشه‌هایی از نخ ابریشم بافته شده زینت می‌دهد» (همان: ۲۴۶). در زمان تحقیق (پاییز ۱۳۷۴) ابریشم کیلویی ۱۵ هزار تومان بوده است.



تصویر ۱. شیوه پیچون کردن



تصویر ۲. دستگاه دارایی‌بافی



تصویر ۳. شیوه بافت با ماکوپران



تصویر ۴. مرتب کردن تارها



تصویر ۵. هر چهل تار ارده را جدا می کنند و به هم می بندند و به دو لوله می اندازند

یزد و بافی؛ دست‌بافته‌ها و حصیربافته‌ها ❖ ۱۳۹



تصویر ۶. دفتین زدن



۷. شیوه استفاده از یوشال یا یدال

احرامی بافی^۱

احرامی دست‌بافته‌ای در اندازه ۱/۲۵ تا ۱/۵ متر، با تار و پودی از پنبه است و برای سجاده استفاده می‌شود. در قدیم نوعی احرامی می‌بافتند که یک طرف آن حاشیه داشت و طرف دیگرش بدون حاشیه بود و وسط آن گل قرار داشت. برای مصرف روفرشی،

۱. راوی عزیزالله قدیرزاده، پاییز ۱۳۷۴.

۱۴۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

دو قطعه را به هم می‌دوختند، سپس اتاق را با نم‌فرش می‌کردند و احرامی را روی آن می‌کشیدند. یک رقم روفرفشی دو پا هم می‌بافتند که دوامی نداشت و راه راه بود. احرامی در قدیم برای بقچه سرحمام که چهارگوش بود نیز بافته می‌شد. این دست‌بافته هرچه بیشتر شسته شود، دوامش بیشتر می‌گردد.

۱. **مواد اولیه:** در قدیم نخ آن را با دست باریک می‌رشتند که احرامی آن ظریف می‌شد. امروزه از نخ کارخانه‌ای شماره ۲۰ و ۱۰ و ۵ استفاده می‌کنند. پود آن، ۱۰/۵ و ۵ است. چله یا تونه را از نخ شماره ۲۰ و پود یا پوکار را از نخ شماره ۱۰/۵ استفاده و دولایه می‌کنند. هر چه شماره نخ بیشتر باشد، نخ ضخیم‌تر است.

۲. **روند آماده‌سازی:** رنگ احرامی، مشکی، آبی، سبز و گلی است. نخ را می‌گیرند و به کلاف‌خونه می‌برند و آنجا بقچه‌ای ۴۰ تومانی می‌گیرند و دامی (نخ‌های گلوله یا مخروطی) را کلاف می‌کنند. سپس کلاف‌ها را به رنگرز می‌دهند که رنگ کند. او هم بسته به اینکه پاتیلش چه رنگ باشد، در نوبت می‌گذارد که گاهی ۲۰ روز طول می‌کشد. بعد از رنگ کردن، کلاف‌ها که خشک شد، آنها را با سریشم، شود می‌دهند؛ برای شود یا آهار دادن، سریشم را اول آب می‌کنند، بعد می‌جوشانند و در تشت بزرگ می‌ریزند. سپس کلاف‌ها را در آن می‌ریزند و مشت و مال می‌دهند و بعد می‌فشارند و می‌اندازند روی چوب که خشک شود. در فاصله خشک شدن، باید دو سه دفعه کلاف‌ها را دست‌کش کنند که به هم نچسبند. کلاف‌های رنگی را با سریشم تنها آهار می‌دهند، ولی برای شود دادن کلاف سفید کمی آرد به سریشم می‌زنند. برای آهار دادن، به ازای هر کیلو ۱۶۰ تومان دستمزد می‌گیرند.

۳. **ماسوره کردن کلاف:** ماسوره ورکن به ازای هر بقچه ۴/۵ کیلویی مشکی، ۲۵ تومان می‌گیرد. اگر سبز و گلی و آبی خواسته باشیم، قیمت هر بقچه ۲۰۰۰ تومان است و ۱۵۰ تومان برای ماسوره کردن می‌گیرد.

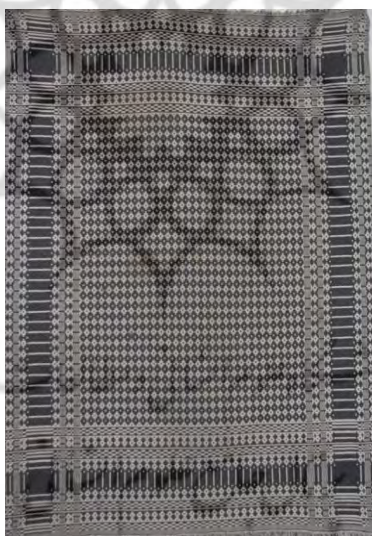
۴. **چله‌تابی:** در کارگاهی دو طبقه که چهل تا میله بالا و چهل تا پایین^۱ (منجلیق) دارد، ماسوره را در میله‌ها می‌کنند و سرنخ‌ها را می‌گیرند و به طول مورد نظر جلو می‌برند و به

۱. به این وسیله، درمید منجلیخ (منجلیق) می‌گویند. (جانب‌اللهی، ۱۳۸۵: ۳/۳۷۷)

بزد و بافق؛ دست‌بافته‌ها و حصیربافته‌ها ❖ ۱۴۱

میله‌هایی که به دیوار نصب کرده‌اند، می‌اندازند (با کارتون^۱ می‌دوئوند^۲ شیبه کرباس‌بافی است). همه کارها جز ماسوره بزرگ کردن^۳ و رنگریزی را خود بافنده انجام می‌دهد. بعد از کار توئوند نخ‌ها را کچی و چله‌پیچ می‌کنند و سپس پیوند می‌زنند.

۵. پیوندزدن: در احرامی‌بافی یک بار که گرت بستند، مادام که نخواهند طرح کار را عوض کنند، می‌توانند چله را به گرت قبلی گره یا پیوند بزنند. عمل پیوند زدن یا چله پیچ بستن با پُرد که مواد زاید و چسبنده ابریشم‌گیری یا جُدو که همان صمغ درخت آلو و زردآلو است، انجام می‌شود. هر چله هشتاد نخ است؛ یکی بالا یکی پایین. در آخر مانند شعربافی و دارایی‌بافی، چوب‌های چله‌پیچ و کیسه‌های شن را نیز به دستگاه احرامی‌بافی می‌آویزند. وزنه‌ها (کیسه‌های شن) برای کشش بیشتر و محکم‌تر شدن چله است که تارها را سفت می‌گیرد. در پایان دستگاه را تنظیم و به اصطلاح برای شروع کار بافتن چاق می‌کنند.



تصویر ۸. سجاده (احرامی)

۱. دستگاهی است که ماسوره در آن قرار می‌گیرد.

۲. چله‌کشی می‌کنند.

۳. ماسوره کردن دو نوع کوچک و بزرگ دارد. ماسوره بزرگ برای کار دوندان (چله‌تابی) است و ماسوره کوچک برای بافتن به‌کار می‌رود.



تصویر ۹. ماسوره کردن دامی احرامی

کارکرد اجزای دستگاه

۱. نی توکار: این نی را هنگام کپی کردن چله، برای جدا ماندن دو ردیف چله داخل آن قرار می‌دهند.
۲. خرک دستگاه: برای افت داشتن تارها و از هم جدا ماندن آنهاست.
۳. پُشال^۱: دستگاه احرامی بافی ۱۷ تا پوشال دارد. ۸ تا یک طرف و ۹ تا طرف دیگر. در وسط آنها میله عمودی نصب شده است که به آن میخ پُشال می‌گویند و برای بافت اول کار است، بعد چهار تا کنار و چهار تا میون. بعد از حاشیه دو تا می‌افتد که یکی این کنار یکی اون کنار می‌بافند. می‌شود یک در میون. چله‌کشی را توئوندن می‌گویند. در قدیم برای چله‌پیچ بستن شانه از نی و گرت نخ استفاده می‌کردند که حالا هر دو سیمی است. تعداد دندانه شانه برای بافت‌های مختلف فرق می‌کند و از شش تا ۱۴ دندانه وجود دارد.^۲

۱. رکابی که پا روی آن قرار می‌گیرد.

۲. برای مشاهده نام تمام اجزای دستگاه بافندگی نک. (رمضانخانی، ۱۳۸۷: ۲۷۷-۲۷۱)

یزد و بافق؛ دست‌بافته‌ها و حصیربافته‌ها ❖ ۱۴۳



تصاویر ۱۰ و ۱۱. احرامی‌بافی

سیس‌بافی

ماده اولیه صنایع دستی بافق، برگ و سیس نخل است که با آن وسایل مختلفی می‌بافند. صنایع دستی این روستا بادبزن‌بافی، جارو و کلاه حصیری است که همه از برگ نخل یا به قول خودشان موی^۱ است. جالب است که بلوچ‌ها هم به نخل «مک»

1. moy

می‌گویند که وجه تسمیه مکران هم به شمار می‌رود. اکبر، مرد ناینایی که کارش تهیه فتیله از سیس خرما بود، می‌گفت، درخت خرما خیلی مفید است و هیچ چیز آن دور ریختنی نیست. در اینجا از تنه نخل برای ساختن در و پوشش سقف نیز استفاده می‌کرده‌اند؛ به این ترتیب که با اره‌های دو سر آن را به صورت الوار می‌بریدند و با آن در می‌ساختند. خرما باقراآباد و اصولاً خرما بافق چندان مرغوب نیست، چون خاک آن منطقه شور است و درخت رشد کمی دارد. نخل را فقط دور تا دور زمین‌های کشاورزی می‌کارند تا از زمین برای کشت و کار استفاده کنند. در اینجا برای تکثیر و کشت نخل از قلمه آن استفاده نمی‌کنند، بلکه بیجه‌ها یا پاجوش را می‌برند و می‌سوزانند و هسته خرما را می‌کارند. البته برای کشت با پاجوش هم آزموده‌اند، ولی نتیجه خوبی نگرفته‌اند. دو هسته خرما را کنار بند کرت (مرز خاکی بین دو قطعه زمین کشاورزی) در خاک دفن می‌کنند و وقتی سبز شد، خاک آن را پس می‌زنند و یکی از بوته‌ها را که نامرغوب‌تر است، از خاک بیرون می‌آورند تا آن دیگری بهتر رشد کند. از برگ و حتی الیاف دور تنه آن (سیس) هم در صنایع دستی استفاده می‌کنند. از سیس آن طنابی به نام سازو می‌بافند که در مقنی‌گری کاربرد مؤثری دارد. از دیگر کاربردهای سیس، بافت پادری است که مواد آن با شیوه‌های زیر آماده‌سازی می‌شود:

نخست سیس را از تنه نخل جدا می‌کنند و در آب می‌خیسانند سپس الیاف سیس را بین دو دست می‌گیرند و تاب می‌دهند و آن را تبدیل به فتیله یا منال می‌کنند. هر فتیله به طول یک وجب یا کمی بیشتر است. در مرحله بعد، فتیله‌ها را نیز جفت جفت از طول به هم می‌تابند تا اندازه آن به یک متر برسد. اگر اندازه سیس مناسب باشد، یک نفر در روز می‌تواند ۱۵ تا ۱۸ متر منال بتابد. منال برحسب مرغوبیت (بلندی و کوتاهی الیاف) درجه‌بندی و قیمت‌گذاری می‌شود؛ بهترین آن را متری ۱۶ تومان می‌خرند.

پادری از الیاف تنه نخل به نام «سیس» بافته می‌شود. برای بافت از دستگاه کوچکی شبیه دار قالی به عرض ۵۰ و بلندی ۸۰ سانتیمتر استفاده می‌کنند. تارهای آن همان الیاف تابیده شده از سیس خرما به نام منال است و پود آن نیز از همان الیاف با تاب کمتر است. برای استحکام بیشتر، در هر ردیف پود یک ردیف منال قرار می‌گیرد و بعد از هر رج نیز با دفتین مخصوص که لبه آن صاف و کاردی شکل است، به آن می‌کوبند. پادری

بزد و بافی؛ دست‌بافته‌ها و حصیربافته‌ها ❖ ۱۴۵

در مجموع بیش از ۱۴ تا ۱۵ رج ندارد که در حین بافت یا پس از پایان یافتن مرحله بافت روی آن را قیچی می‌کنند.

پادری از سوی واسطه‌ها از بافنده خریداری و به بازار عرضه می‌شود. قیمت خرید از بافنده بین ۴۰۰ تا ۴۵۰ تومان است و قیمت فروش تا ۱۰۰۰ تومان هم می‌رسد. سپس را که ماده اولیه آن است، کیلویی ۱۵ تا ۲۵ تومان می‌خرند. برای بافت هر پادری به ۳ کیلو سپس نیاز است.

گذشته از استفاده رایج آن که از نامش پیداست و در جلوی ورودی در می‌اندازند، برخی آن را در پشتی به جای پنبه استفاده می‌کنند.



تصاویر ۱۲ و ۱۳. اکبر مرد نابینای بافی نخست سپس‌های خرما را در نخلستان‌ها جمع‌آوری می‌کند. سپس آن‌ها را شستشو می‌دهد.



تصویر ۱۴. در مرحله بعد
سیس‌ها را به هم می‌تابد و فتیله
می‌کند.



تصاویر ۱۵ و ۱۶. بافنده نخست چند فتیله را از طول به هم می‌تابد تا طول آن
به یک متر برسد. سپس شروع به بافتن می‌کند.

حصیربافی

مشهورترین صنایع حصیربافی بافق کلاه و بادبزن است که از برگ نخل یا مغ
می‌بافند. بافت کلاه از برگ نخل دو نوع است: مغی^۱ و حصیری.

1. moqi

یزد و بافق؛ دست‌بافته‌ها و حصیربافته‌ها ❖ ۱۴۷

۱. کلاه: به انواع زیر تقسیم می‌شود:

الف) کلاه مغی: برای بافت کلاه اول باید مغ را در آفتاب بگذارند تا خشک شود. سپس مدتی آن را در آب بخیسانند تا قابلیت انعطاف آن برگردد. اگر برگ تازه به کار ببرند، پس از خشک شدن می‌شکند. در مرحله بعد برگ نخل یا مغ را اول در جوهری به رنگ‌های نارنجی یا سبز یا بنفش یا گلی و یا قرمز به مدت ۱۰ دقیقه می‌جوشانند. سپس هر مغ را با نوک سوزن لحاف‌دوزی به ۳ تا ۴ ریش یا یک تخته^۱ تقسیم می‌کنند؛ یعنی هر برگ را به رشته‌های نازک‌تر تبدیل می‌کنند، اما آنها را از هم جدا نمی‌سازند. به همین دلیل به این برگ ریش ریش شده، تخته‌ئو نیز می‌گویند. حکمت این عمل در آن است که دست‌بافته، ظرافت بیشتری داشته باشد. برای بافتن کلاه نخست هر تخته‌ئو را یک لایه در زیر و یک لایه در رو قرار می‌دهند و به هم می‌بافند. در مرحله بعد دو تخته‌ئو یا یک جفتنو^۲ را کنار یکدیگر قرار می‌دهند و به هم می‌بافند. برای یک کلاه، ۴ جفتنو یا سی تخته‌ئو باید بافته شود. بافتن هر کلاه یک تا دو ساعت طول می‌کشد.

ب) کلاه حصیری: برای بافتن این نوع کلاه، هر مغ را فقط دو ریش می‌کنند که کلاه آن ظرافت کمتری دارد و ارزان‌تر است.

ج) کلاه پیسکی: از برگ شاخه‌های میانی نخل به نام «پیسک» که سفیدرنگ است، بافته می‌شود؛ نخست آن را به صورت نواری به طول سه بغل و نیم (۴/۵ گز) می‌بافند، بعد نوارها را دایره‌وار و به شکل کلاه به هم می‌دوزند. هر کلاه از ۲۹ برگ بافته می‌شود.

۲. **بادبزن:** در دو اندازه بزرگ و کوچک با نقشه‌هایی به نام‌های پشمکی، یادگار مشهد، گنبدی و کبابی (که نقش دو سیخ متقاطع کباب دارد) می‌بافند. اضافه کردن دسته به بادبزن معمولاً در تخصص فردی غیر از بافنده است. دسته از چوب نخل ساخته می‌شود و به طول سه وجب است که از نوک تا نیمه شکافی در آن ایجاد می‌کنند و تخته‌ئو را داخل شکاف قرار می‌دهند و آن را به بدنه بادبزن می‌بافند.

1. taxaou

2. joftenu

۳. جارو: قسمت‌های ضخیم‌تر مغ برای بافتن جارو مورد استفاده قرار می‌گیرد. از هر مغ یک عدد جارو و ۵ عدد کلاه به دست می‌آید.



تصویر ۱۸. زنی در حال بافتن بادبزن



تصویر ۱۷. کلاه‌حصیری

منابع

- جانب‌اللهی، محمدسعید (۱۳۸۵). «چهل گفتار در مردم‌شناسی میبد» (دفتر دوم و سوم). مردم‌شناسی اقتصادی گنجینه هنر.
- رمضانخانی، صدیقه (۱۳۸۷). هنر نساجی در شهر یزد. یزد: سبجان نور و پایگاه میراث فرهنگی یزد.

مصاحبه

- قدیرزاده، عزیزالله، احرامی‌باف، پاییز ۱۳۷۴.
- رضایی، رمضان، دارایی‌باف، ۱۳۷۴.
- ملک‌ثابت، حاج غضنفر، دارایی‌باف، ۱۳۷۴.